نگاهی به ماجرای اعتراض اهالی کفه‌مور و پیگیری موضوع

جاده چشم انتظار هیئت مدیره گهرزمین

عکس: امین ارجمند

■ **ناصر صبحی**

اواخر ماه قبل تعدادی از اهالی منطقه کفه‌مور، در اعتراض به خراب شدن آسفالت به دلیل تردد تانکرها و کامیون‌های معدن شماره ۴ و شرکت گهرزمین، دست به بستن جاده زدند. مردم، دو خواسته از مسئولان داشتند: ترمیم آسفالت تخریب شده و احداث یک جاده دیگر تا مسیر رانندگان محلی از مسیر کامیون‌های معدنی و تانکرهای آب جدا شود. مردم می‌گفتند: «بارها به دلیل ریخته شدن سنگ آهن از کامیون به وسط جاده، رانندگان محلی به خطر افتاده‌اند. از سویی، ریخته شدن آب در جاده از سوی تانکرهای حمل آب، باعث لیز و لغزنده شدن جاده و بالا رفتن احتمال تصادف می‌شود».

در نهایت، با مذاکراتی که در آن روز انجام شد، به دعوت گهرزمین، سه نفر از اهالی به نمایندگی از مردم به دیدن غلامحسین رحیمیان؛ قائم‌مقام و مدیر شرکت رفتند تا برای حل مشکل گفت‌وگو کنند. مذاکراتی که پشت درهای بسته انجام شد و مسئولان گهرزمین اجازه حضور خبرنگار و عکاس پاسارگاد را ندادند. نمایندگان اهالی با ظاهری نگران به معدن رفتند و با خوشحالی بازگشتند. آن‌ها به خبرنگاران پاسارگاد، شرح دقیقی از وقایع جلسه و مذاکره ندادند اما نظرشان در مورد گهرزمین تغییریافته بود. آن‌ها درحالی وارد معدن شدند که انتقادهای شدیدی داشتند و درحالی خارج شدند که از مسئولان معدن با لفظ «بندگان خدا» یاد کردند و گفتند که مسئولان معدن خودشان پیگیر این موضوع بوده‌اند و منتظر اعلام هزینه آسفالت از سوی اداره راه به فرمانداری و سپس از فرمانداری به گهرزمین هستند تا کار را شروع کنند.

■ **روز واقعه**

معترضان به پاسارگاد گفته بودند: «این جاده روستایی متعلق به ۴۰ سال پیش است که آخرین بار، ۱۲ سال پیش آسفالت شد اما تردد ۲۴ ساعته تانکرهای آب شرکت گهرزمین و کامیون‌های حمل سنگ آهن معدن شماره ۴ موجب شده تا آسفالت این محدوده کاملا تخریب شود.» تا حدود یک سال پیش، به مدت ۵ سال این جاده توسط معدن بسته شده بود و اهالی مجبور به عبور از یک جاده خاکی و دور زدن مسیر بودند. دلیل بستن جاده اصلی؟ عبور و مرور تراک‌های معدن. اهالی می‌گویند: «معدن در اینجا پادشاهی می‌کند.»

تا این‌که در این جاده خاکی به گفته اهالی، یک راننده زن که به همراه دو فرزند خردسالش در حال عبور از جاده خاکی بوده که به دلیل کاهش دید به دلیل گرد و خاک ناشی از عبور یک کامیون، جاده را گم کرده، تصادف می‌کند و کشته می‌شود. اهالی می‌گفتند: «معدن نه این را به عهده گرفت و نه آن دو موتورسواری که نزدیک پل اول، با کامیون تصادف کردند و کشته شدند».

پس از فوت راننده زن و با ورود دادستان و شورای تامین به موضوع، جاده پس از پنج سال باز می‌شود اما مشکلات همچنان باقی‌ست. جاده مورد اشاره اهالی، بسیار باریک و دارای یک لاین رفت و یک لاین برگشت است. در گوشه‌های جاده، سنگ آهن‌های ریخته شده از کامیون‌ها به چشم می‌آیند که در نزدیک خروجی معدن بیشتر هستند. آسفالت لاین برگشت جاده به سمت سیرجان، در محدوده مورد نظر اهالی، خراب و پر از چاله‌های ریز و درشت و گاه نسبتا عمیق است و آسفالت لاین رفت، در قسمتی از محدوده کاملا از بین رفته و تبدیل به مسیری شبه‌خاکی شده است. میزان خرابی جاده در حدی است که یکی از اهالی یک مسیر خاکی را نشان می‌دهد و می‌گوید: «اهالی از شدت خرابی جاده، از این مسیر خاکی استفاده می‌کنند.» در این جاده دو پیچ نسبتا خطرناک وجود دارد که حضور کامیون‌های سنگین، برخطرناکی آن افزوده است. به گفته اهالی در این پیچ‌ها بیش از ۵ بار حادثه رخ داده است.

■ **جاده خیس**

عنوان «جاده خیس» شاید برای دیگران شبیه اسم یک آهنگ عاشقانه باشد اما برای اهالی منطقه، زنگ خطر است. در انتهای جاده مذکور، موتورآبی قرار دارد که گهرزمین از یکی از اهالی خریده و به گفته مردم منطقه، ۲۴ ساعته در حال رفت و آمد هستند. اهالی می‌گویند از این تانکرها آب نشت می‌کند که منجر به لغزنده شدن جاده می‌شود.

تخریب جاده و خطرهای ناشی از عبور و مرور تانکرها و کامیون‌ها، دو دلیل عمده اعتراض اهالی است. آن‌ها دو راهکار پیشنهاد می‌دهند که در حقیقت، یک راهکار است: یا جاده روستایی را جدا کنند و به خارج از محدوده گل‌گهر بیندازند یا برای خودشان جاده بسازند. آن‌ها می‌گویند: «نه مردم منطقه گناهی مرتکب شده‌اند و نه گل‌گهری‌ها بی‌پول هستند»

یک راهکار سوم نیز وجود دارد که گویا پیشنهاد فرمانداری است: «عریض شدن جاده» اما اهالی این راهکار را نمی‌پسندند: «به ضرر ما است زیرا همچنان این تانکرها و کامیون‌ها تردد خواهند داشت و امنیتی وجود ندارد.» اهالی از فرمانداری ناراضی هستند: «حدود یک سال است که موضوع را از طریق مسئولان محلی و با نامه‌نگاری و طی روند اداری پیگیری می‌کنیم اما فرمانداری جوابی نمی‌دهد».

■ **خبری از مسئولان نمی‌شود**

آن‌روز، اهالی منتظر یک مسئول شهری و به طور اخص، سهراب بهاالدینی؛ سرپرست فرمانداری یا یکی از مسئولان گهرزمین بودند تا به میان‌شان بیایند و حرف‌شان را بشنوند اما خبری نمی‌شود. تنها یک سرهنگ نیروی انتظامی به تنهایی و بدون سلاح به میان مردم می‌آید و اهالی را نصیحت می‌کند که «این راهش نیست» اما اهالی منصرف نمی‌شوند. سرهنگ یزدیانی با دادستان سیرجان تماس می‌گیرد. نیک‌ورز می‌گوید که بستن جاده صحیح نیست و اگر اهالی به جای این‌کار یک نماینده به دادستانی فرستاده بودند، او به عنوان مدعی‌العموم پیگیر مسئله می‌شد. اهالی می‌گویند مسئولان به حرف آن‌ها توجهی ندارند و نیک‌ورز می‌گوید تاکنون کسی در این مورد به او مراجعه نکرده است.

سرهنگ یزدیانی پس از پایان صحبت با دادستان به اهالی می‌گوید: «دیدید که دادستان هم حرف من را زد. من هم می‌خواهم به شما کمک کنم اما این راهش نیست. جاده را باز کنید. بهترین راه این است که ۳ نفر از شما به عنوان نماینده بیایید و یک صورتجلسه بنویسید».

در نهایت طی هماهنگی‌های سرهنگ با گهرزمین، قرار می‌شود سه نفر از اهالی به نمایندگی از اهالی منطقه به دیدار حسن رحیمیان؛ قائم‌مقام شرکت گهرزمین بروند.

■ **دهیار معدن‌رز: منتظریم**

روز گذشته پاسارگاد برای پیگیری موضوع با جابر خسروی؛ دهیار معدن‌رز و یکی از نمایندگان حاضر در جلسه مدیران گهرزمین تماس گرفت تا موضوع آسفالت را پیگیری کند.

■ **ماجرای آسفالت منطقه به کجا رسید؟**

اداره راه مبلغ هزینه آسفالت را برآورد کرد و به فرمانداری داد. فرمانداری طی یک نامه به گهرزمین اطلاع داد و قرار شد هیئت‌مدیره گهرزمین در این مورد تصمیم‌گیری کنند. هنوز به ما پاسخی ندادند.

■ **قرار است آن‌ها پاسخ بدهند یا شما باید پیگیری کنید؟**

من نمی‌دانم جلسه هیئت‌مدیره‌شان چه زمانی است. باید پیگیری کنیم تا ببینیم چه شده. فعلا منتظر هستیم ببینیم آیا می‌آیند جاده‌ای را که تخریب کردند، درست کنند یا خیر.

■ **در جلسه در مورد حل مشکلات دیگر نیز وعده‌ای داده شد؟**

خیر. شاید اگر ما امروز ده تا خواسته را مطرح کنیم، ممکن است حتا یک مورد نیز انجام نمی‌شد. اما گام به گام می‌توان مشکلات را مطرح و حل کرد.

■ **اگر مشکل بعدی را طرح کردید و انجام نشد، چه راهکاری دارید؟**

چاره‌ای نیست. باز هم باید صحبت و رایزنی شود. ما ۴۰ دهیار و شورا داریم که باید به یک نتیجه برسیم. باید پیگیری مستمر داشته باشیم و زمان بدهیم تا ببینیم چه می‌شود و چه اتفاقی می‌افتد. بعد دوباره تصمیم بگیریم که چه کار کنیم. ولی برای مردمی که همسایه گل‌گهر هستند، هیچ اتفاق مثبتی نیفتاده است. همیشه مطالبه‌گری و دغدغه اصلی ما همین است. کوتاه بیاییم یعنی خیانت کردیم.

کرونا رحم ندارد

■ **اکبر اسدی***

کرونا تمام استان‌ها را درگیر کرده و تا زمانی ۸۰ درصد جمعیت را درگیر خودش نکند خیال رفتن ندارد.

همشهری‌های عزیزی که کیلومترها مسیر خاکی را طی می‌کنید تا به خانه‌باغ حاشیه روستاهای سیرجان برای عروسی بروید، آیا می‌دانید؛ ۶۰ درصد موارد مثبت کرونا در سیرجان در این اماکن اتفاق افتاده است؟ آیا می‌دانید ۶۵ درصد مبتلا شدگان مربوط به ۹ فامیل (خوشه خانوادگی) است؟ آیا می‌دانید مبتلا به کرونا خواه خودش به پای خودش رفته باشد و آزمایشش مثبت شده باشد و یا در بیمارستان بستری باشد و مثبت شود، هر دو بیمار کرونایی محسوب می‌شوند و فرقی با هم ندارند؟

آمار کرونا دارد به زبان بی‌زبانی با ما حرف می‌زند. از روزی که در سیرجان همه چیز رها شد هر ۲۴ ساعت به طور متوسط ۱۴ نفر مثبت می‌شوند. آیا می‌دانید تعداد موارد مثبت سیرجان فقط از یک مرکز نمونه‌گیری است؟ یعنی هرچه تعداد اماکن نمونه‌گیری بیشتر شود، به همین نسبت موارد مثبت هم بیشتر خواهد شد. آمار می‌گوید از هر ۱۰ تا ۲۰ نفری که در یک جا تجمع دارند، حتما یکی از آن‌ها مثبت و حامل ویروس کرونا‌ست.

همشهری عزیز کرونا جدی است و خطر انتقالش جدی‌تر. پس بیایم تشییع جنازه، مراسم هفتم، عروسی، جشن تولد، شب شیش و... شرکت نکنیم و خود را به کام کرونا نکشانیم.

مجموعه سایت‌ها و شرکت‌های منطقه گل‌گهر احساس خطر کنید. آمار موارد مثبت بسیاری از شرکت‌ها رو به افزایش است. مثل روزهای اول همه چیز را جدی بگیرید تا این‌گونه شاهد افزایش موارد مثبت کرونا در مجموعه شرکت‌های گل‌گهر نباشیم. مرگ بر اثر کرونا مثل مبتلا شدنش بی‌سروصدا است و حتی افراد جوان را بدون هیچ بیماری زمینه‌ایی به کام مرگ می‌برد.

اینکه امروز به عدد بالای ۳۲۰ مورد مثبت در شهرستان رسیده‌ایم، زنگ خطر را به صدا درآورده است. پس ماسک بزنید به‌خصوص در اماکن سربسته. کارکنان ادارات، بانک‌ها، سازمان‌ها اجبارا باید ماسک بزنند. در ادارات هرگز به مراجعان بدون ماسک خدمت داده نشود. پس قبل از ورود به هر اداره یا سازمان یا بانک ماسک بزنید. با اماکن و خانه‌باغ‌هایی که بدون مجوز مبادرت به برگزاری مراسم عقد و عروسی و... کنند، طبق هماهنگی به شدت برخورد قانونی خواهد شد. گام اول در شهر قرمز یعنی فاصله اجتماعی ۲ متر حتما رعایت شود. جدی بگیریم! شاید من مبتلای بعدی به کرونا باشم.

*رییس گروه بیماری‌های دانشکده علوم‌پزشکی

خداحافظی مرتضی قنبری
رییس اتحادیه میدان‌داران میوه و تره‌بار از مردم و اتحادیه

با سلام و عرض ادب حضور همشهریان عزیز و محترم و با سلام و درود به روان پاک شهدا از صدر اسلام تا کنون، امام شهدا، با آرزوی طول عمر باعزت برای مقام عظمی ولایت و آرزوی سلامتی ایثارگران هشت سال دفاع مقدس.

اینجانب مرتضی قنبری فرزند مرحوم حاج‌غلامحسین(اولین میدان‌دار شهر)، معرف حضور اکثر همشهریان عزیز، در سال ۱۳۸۷ پس از گذشت ۱۸ سال فعالیت در صنف میدان‌داران میوه و تره‌بار با گروهی از همکاران عزیز به عنوان نماینده اعضا برای حقوق پایمال شده‌مان شروع به فعالیت نمودیم و پس از آن با دعوت همکاران در سال ۱۳۸۹ جهت سر و سامان دادن به معضلات، مشکلات و اجرای قانون به همراه چند نفر دیگر از همکاران در انتخابات اتحادیه شرکت کردم. با عنایت به دعوت همکاران و با بیشترین آرا بنده به عنوان رییس اتحادیه منتخب منصوب شدم و منتخبینی که با من هم‌عقیده بودند را نیز انتخاب نمودند.

زمانی که اتحادیه را تحویل گرفتم با توجه به تجربیاتی که در این سال‌ها داشتم فورا موارد مذکور را بررسی نموده و اولویت‌بندی شروع شد. با تلاش شبانه‌روزی و به مدت ۶ ماه بیدارخوابی و درگیری با فرصت‌طلبان و دلالان ساعت کاری میدان که نبود آن به عنوان ام‌الفساد بود و هیچ هیئت‌مدیره و رییسی نتوانسته بود این مهم را قانون‌مند کند، با کمک خداوند و نیز اعضای هیئت‌مدیره ساعت کاری را قانون‌مند کردم. قانونی شدن این موضوع را می‌توان چنین خلاصه کرد: کوتاه شدن دست دلالان و فرصت‌جویان. چون آن‌ها زمانی که مغازه‌داران در خانه‌های خود بودند(ساعت ۱۲ الی ۴ صبح) تمام میوه‌های باکیفیت و کمبود را برمی‌داشتند و موقعی که مغازه‌دار به میدان جهت خرید مراجعه می‌کرد یا می‌بایست چندین برابر قیمت میوه را خریداری نماید یا اصلا نوع میوه کمبود گیرش نمی‌آمد. این دغدغه‌ی چندین سال مسئولین و مغازه‌داران شهر بود که بارها و بارها اعلام می‌کردند والله نمی‌دانیم روز و شب برای ما کی هست؟! که شکر خدا این مهم پس از گذشت ۶ ماه بیدارخوابی بنده و هیئت‌مدیره قانونی شد و هنوز نیز بعد از ۸ سال و هفت ماه همچنان ادامه دارد. لازم به ذکر است در این چند سال چندین بار با حکم فرمانداران، اینجانب و مسئولین مرتبط به استان و شهرهای استان و خود استان مراجعه نمودیم و به همه مسئولین نیز اثبات گردید که در هیچ شهری به غیر از سیرجان این قانون وجود ندارد. این موضوع جور دیگری برای بنده رقم خورد. چون اکثر افراد مذکور بعضا بهترین مشتریان میدان بودند با توجه به اینکه بنده به طور جد و بدون هیچ تبعیضی تا قانونی شدن ساعت کاری برای مردم جلو آن‌ها ایستادگی کرده بودم تا یک سال بعد هیچ خریدی از غرفه بنده نداشتند. همچنین می‌بایست مدیریتی باشد که میوه و تره‌بار و سبزیجات را هر شب بدون هیچ کمبودی در هر فصل با سختی‌های موجود در راه به مردم شهر برسانیم که همشهریان عزیز بتوانند روزانه به هر نوع میوه‌ای دسترسی داشته باشند. در اقدامی خردمندانه در ذهن خودم- مردم، مسئولین و اعضای محترم این صنف را در سه کفه ترازو توصیف کردم و در بحث ورود همه نوع میوه موجود در کشور به شهرستان سیرجان آن هم با سه اولویت قشر ضعیف، قشر متوسط و قشر خوب تجسم کردم و با جلسات مکرری که مرتبا با اعضای محترم که تامین‌کنندگان این مورد بودند، گذاشته می‌شد، تدابیر ورود هر نوع میوه و سبزیجات دیده می‌شد.(علی‌رغم اینکه با مخالفت‌های رییس اداره بازرگانی سابق روبرو می‌شدیم و خصومتی که با میدان‌داران و بنده داشت تا جایی که حاضر به شنیدن حقایق به هیچ عنوان نبود). جا دارد یادی کنم از جناب آقای مهندس توحیدی فرماندار محترم وقت که مراتب را طی یک جلسه چند ساعته با توضیح و دلایل و حقایق با وی مطرح نموده و نظر به تجربیات چندین ساله او(خود ایشان یکی از کشاورزان بزرگ جنوب شرق در حال حاضر است) ایشان دستور جلسه‌ای را با حضور رییس بازرگانی و بنده گذاشتند و با دادن اختیار به بنده این مهم نیز مرتفع گردید. این سکوت چندین ساله شکسته شد که در پی بی‌تدبیری‌ها، میدان‌داران به ناحق مورد کم‌لطفی و جریمه واقع شده بودند و چه کمبودهایی روزانه وجود داشت که مردم شهر متضرر این بی‌حساب و کتابی‌ها و بی‌قانونی‌ها و تبعیض‌ها و انحصاری شدن‌ها بودند. به حمد پروردگار ما در مسیر اصلی قرار گرفتیم. مدت ۸ سال و دو دوره اثبات کردم که اگر بخواهیم می‌شود و تا کنون به همه اثبات گردیده است.

لازم است به یک نکته اشاره کنم؛ آن هم گله‌مندی برخی همشهریان از گرانی برخی اقلام میوه در این چند سال است. اولا گرانی میوه مربوط به اتحادیه و میدان‌داران نیست و این موضوع مربوط به فصل‌ها و کمبود برخی اقلام در فصول مختلف یا از پایه گران شدن آن‌ها در سطح کشور است. ثانیا بنده مسئول حوزه میدان تره‌بار می‌باشم و پس از خروج میوه و تره‌بار و از مجموعه میدان، اینجانب و اعضای تحت پوشش بنده، مسئولیتی ندارند. ثالثا همانطور که اعلام کردم ما برای هر سه قشر جامعه، میوه را در سطح شهرستان و ۱۱ شهر دیگر تامین می‌کنیم که در هر مورد شکایات، بنده شخصا ورود نموده و همیشه طرف حق را گرفته‌ام و در بنرهایی که سرتاسر میدان دستور نصب داده‌ام، ۷ مورد جهت رفاه حال شهروندان و مغازه‌داران محترم اعلام شده است. جا دارد از اعضای محترم این صنف که در طول ۸ سال بنده را در تامین و توزیع میوه و تره‌بار و سبزیجات کمک کرده‌اند و در جهت رضایت‌مندی مردم عزیز و مسئولین محترم این شهر تلاش شبانه‌روزی نموده‌اند، کمال تقدیر و تشکر را نمایم و چه جاهایی که قدرت خود را به رخ همه همکاران خود در استان کشیدند. بطور مثال در اعتصاب رانندگان در حالی که شهر کرمان با کمبود میوه مواجه شد و برخی اقلام کلا قطع شد، اعضای محترم صنف میدان‌داران بودند که با همکاری با بنده و سخت‌ترین شرایط، میوه مردم شهر را تامین کردند و در برخی از موارد هنوز اسناد آن موجود است که ماشین‌های حامل بار آن‌ها مورد تهاجم و ضرب و شتم قرار گرفت اما بار این شهر و ۱۱ شهر دیگر را تامین نمودند که فرماندار وقت آقای مکی‌آبادی بارها از اینجانب و میدان‌داران عزیز، تشکر کرد. اعضای این صنف در طی این چند سال در روزهای پایانی سال که دغدغه دولت تنظیم بازار است، ۵۰۰ درصد بیشتر از سرانه مصرف میوه شهرستان را به شهر و مردم عرضه نمودند که فرمانداران وقت از این موضوع بازدید و تشکر کردند. امسال نیز فرماندار محترم جناب حاج‌سهراب بهاءالدینی دست‌مریزاد به این خادمین نظام مقدس گفتند.

مردم شهر عزیزم؛

این موارد بعضا از هفته‌نامه‌های سیرجان به سمع شما عزیزان رسیده که بنده به صورت خلاصه و شفاف حضور شما مردم عزیز و بزرگوار عرض نمودم.

سخت‌ترین موردی که این اتحادیه دارد، بحث میدان جدید است که بارها و بارها نسبت به آن گزارشات متعددی و بعضا کذب به سمع شما رسیده است. بحث میدان تره‌بار جدید حقیقتا خیلی موارد حقوقی دارد که به قول حقوق‌دانان مطمئنا در آینده حتی پس از ساخت، گریبان‌گیر متخلفان خواهد بود. بنده همانطور که قانون میدان و تامین میوه شهر را درست کردم، با بررسی کامل و با همکاری ایثارگران محترم توانستم بحث چندین ساله بین بنده، همکاران و ایثارگران و اعضای جدید را خاتمه بدهم و شکر خدا برابری و برادری و دوستی را بین این گروه‌ها فراهم سازم و از این بابت خوشحالم. کسانی که در طی ۱۲ سال ما را روبروی هم قرار می‌دادند و از این فرصت سوء استفاده می‌کردند، با همکاری همکاران نقشه‌های آن‌ها را به زباله‌دان تاریخ انداختیم که جای شکرش باقی است. پس از مذاکره با ایثارگران محترم که همه جا سپر بلای فرصت‌طلبان بودند، با توکل بر خدا کارگروهی به نام کارگروه ساماندهی میدان جدید، تشکیل دادیم. هدف این کارگروه(که متشکل از ایثارگران محترم، میدان‌داران پیشکسوت محترم و اعضای محترم جدید هستند) جابه‌جایی میدان و احقاق حق پایمال شده برخی از اعضا و حسابرسی(که پس از ۱۶ سال هیئت‌مدیره قبلی تحویل نداده است)، می‌باشد و ریاست آن را به آقای حاج‌حمید بلوردی ایثارگر ۴۵ درصد دفاع مقدس واگذار نمودیم که همه بدانند ما با هم دوست و برادر هستیم. الان با برگزاری جلسات پی‌درپی در تمام تصمیمات اسم اعظم پروردگار سرلوحه کار ما است و تا حصول نتیجه مشغول فعالیت هستیم و به خود می‌بالم که در این مهم نیز شکر خدا مشکلات ما مرتفع گردید. از همین‌جا صراحتا اعلام می‌نمایم هر شخص یا گروهی یا حتی اتحادیه جدید بخواهد جلو اقدامات این کارگروه -که پس از سال‌ها ضرر و زیانی که به همه ما رسیده- را بگیرد به پشتوانه رهبرم که می‌فرمایند آحاد ملت حق تشکیل هر گروهی را دارند و حتی می‌توانند آن را نیز به ثبت برسانند، با قانون جلو آن ایستادگی می‌کنیم. (دیگر بس است، ۱۶ سال است که خانه خریدیم ولی هنوز کرایه‌نشین هستیم؟!) این کارگروه قانونی شکل گرفته و با هدف جابه‌جایی میدان پیش می‌رود. جا دارد در همین‌جا از آقای شهباز حسن‌پور نماینده محترم ساعی و پرتلاش شهر و شهردار وقت تشکر ویژه نمایم.

مردم شریف شهرستان سیرجان؛

هدف شخصی بنده از ورود به این اتحادیه این بود که به همه نشان دهم که می‌شود تمام نشدن‌هایی که می‌گویید را به شُد، تبدیل کنیم و به ثمر برسانیم اما به قول قدیمی‌ها، «کار هرکس نیست خرمن کوفتن- گاو نر می‌خواهد و مرد کهن». بنده در خانواده‌ای کاملا مذهبی به دنیا آمدم. اجداد این حقیر بازاری و سیرجانی و از بزرگترین کسبه شهر بوده و هستند. شکر خداوند امروز نیز که این شهر توسعه یافته و از تمام قشرها در این شهر جزو کسبه محترم و کاسب و حبیب‌الله هستند، طایفه قنبری‌ها در تمام این صنوف می‌درخشند و در همین جا از بزرگان طایفه‌ام (که هم ولایی و هم مذهبی و هم مردم‌دار و بزرگ‌ترین و به‌نام‌ترین کسبه‌های شهر هستند)، به عنوان کوچکتر آن‌ها تشکر می‌نمایم و دست آن‌ها را می‌بوسم. (عموزاده‌های عزیزم افتخارمان در این شهر هستید.)

لازم به ذکر است بی‌مهری بعضی از مسئولین به بنده بعد از این همه خدمت به مردم این شهر باعث شد که اینجانب در این دوره از انتخابات دیگر شرکت نکنم. به عنوان کسی که سال‌ها برای خدمت به مردم این شهر تلاش کردم و پایه و اساس میدان و زیرساخت‌هایی برای این صنف با کمک هیئت‌مدیره درست کردم، خطاب به کاندیدهای محترم می‌گویم و عاجزانه خواستارم که این زیرساخت‌ها و دلگرمی مردم به حکومت و اعضای محترم این صنف-که در این ۴۰ سال نشان داده شده است و ۱۱ شهر دیگر را نیز پوشش می‌دهند- را حفظ نمایند. هر کدام از شما همکاران بزرگ که رای آوردید و انتخاب شدید، برای بنده نیز محترم هستید.

و در آخر بدینوسیله از اکثر مردم شریف این شهر (که سال‌ها با درک بالایشان در خصوص رضایت‌مندی از میوه و تره‌بار و بودن هر میوه‌ای خارج از فصل و در هر فصلی، در جراید یا حضورا از بنده تشکر نموده‌اند)، قدردانی می‌نمایم و به عنوان یک فرد صنفی چه در میدان تره‌بار و چه در صنوف دیگر که حضور دارم، اینجانب و اخوان بنده در خدمت مردم عزیز این شهر هستیم. جا دارد از همسر بزرگوارم که در طی این سال‌ها بنده را یاری و تحمل نمود، (چه شب‌هایی که سرنزده مجموعه را کنترل می‌کردم و باعث بی‌خوابی و بی‌نظمی خانواده می‌شدم)، تشکر ویژه نمایم.

همچنین برای جناب آقای عقیل صادقی مسئول نرخ‌گذاری اداره صمت میوه و تره‌بار آرزوی بهترین‌ها را دارم. ایشان جهت تامین و تدبیر قیمت‌ها و هماهنگی با اتحادیه در طول این چند سال تلاش کردند و فردی مطابق وی از اینکه به فکر مردم باشد را دیگر نخواهم دید.

در پایان از همه مسئولان محترم و همکاران و مردم شهرم، اگر چنانچه هرگونه کوتاهی که از نظر بنده سهوا بوده و آنچه دینی بر گردنم است، طلب بخشش دارم.

مرتضی‌قنبری

۹۹/۰۳/۲۴